

## حقوق تجارت

ماده ۱۴۹ قانون تجارت که مقرر میدارد اگر يك يا چند نفر از شركاء با مسئوليت محدود حق خود را در شركت بدون اجازه سايرين كلايب بعضاً بشخص ثالثي واگذار نمايد شخص مزبور نه حق دخالت در اداره شركت و نه حق تفتيش در امور شركت را خواهد داشت در واقع تفسير ماده ۱۴۸ قانون مزبور است و ممكن است آنرا ضامن اجرائي ماده فوق الذکر نیز محسوب داشت .

اگر در خصوص مورد حق بشركاء فقط بمنافع آنها در شركت تعبير شود جنبه ضمانت اجرائي ماده ۱۴۹ ساقط و در اين مورد ناچار بايد گفته شود منظور بر اين بوده است که اگر احياناً اشخاص ثالثي بدون رضایت ساير شركاء در نتیجه انتقال مثلاً سهميه احداً از شركاء از منافع ذی علاقه در شركت بشوند حق مداخله در امور آن نداشته باشند .

و ميتوان تصريح قانون را در اين مورد نیز حمل بر تائيد و تأييد اصول کلی نمود .

چنانچه مذکور افتاد عدم رضایت ساير شركاء تأثیری در صحت انتقال بين نافذ و منتقل اليه نخواهد داشت منتهاي مراتب چون در موارد شرکتهای تجارتي شخصيت اشخاص مؤثر و مورد توجه است نمی توان چنین منتقل اليه را شريك ديگران نیز تصور نمود تا مشاراليه بتواند از حقوقی که برای شركاء شركت باين عنوان منظور است استفاده نمايد .

در اینجا قانون تجارت در حقيقت تفكيكي قبائل شده است بين « حق شركت » و « علاقه موجوده در شركت » و تفكيك مزبور كاملاً بجا است چه مطابق هيچ اصلی نمیتوان ثالثي را با عده که با يكديگر رابطه شركت دارند بدون مداخله

اشخاص اخير الذکر شريك نمود حتی در موارد انتقال قهری نیز که توهم شركت قهری ميرفته است قانون تجارت مخصوصاً تأمل نموده و تحقق شركت را بين شركاء قديم و وراثت شريك متوفی مأكول بر رضایت طرفين نموده است ولی در عين حال انتقال علاقه جانی که ممكن است از نتیجه شركت حاصل شود منع قانونی ندارد چه امر مزبور هيچگونه اصطکاک کی باشركاء ديگر نداشته و در حقوق آنها تأثیری ندارد مثل اينکه اگر شخصی از يکديگر بخواهد جانشين من در شركت و باشركاء من عمرو و بكر شريك هستی مسلماً بدون رضایت عمرو و بكر زيد شريك آنها محسوب نخواهد شد زیرا هيچ چيزی که مانع از اين امر نشود لا اقل نظر بوجود تعهدات متقابله شركاء که نسبت بيکديگر دارند تبديل تعهد بدون رضایت متعهد له که در اين مقام شركاء ديگر هستند حائز نخواهد بود ولی اگر شخص مزبور بگويد منافع و کلیه عوایدی که از شركت من با عمرو و بكر حاصل ميشود بقو انتقال ميدهم ترديد در صحت انتقال مزبور مجوزی ندارد .

### اسم شركت

چنانچه ماده ۱۵۱ مقرر میدارد در اسم شركت بايد عبارت ( شركت مختلط ) و يا لا اقل اسم يکی از شركاء ضامن قيد شود تصريح با مور فوق الذکر برای معرفی و شناساندن شركت بديگران است که از حدود مسئوليت شركاء مطلع باشند - شركاء با مسئوليت محدود بايد مراقبت نمايند که اسم آنها جزء اسم شركت ذکر نشود زیرا در غير اينصورت شريك مزبور با استناد ماده ۱۴۳ قانون تجارت در مقابل طلبکاران شركت شريك ضامن محسوب خواهد شد

و هر قراردادی که برخلاف این ترتیب بن شرکاء صادر شود در مقابل اشخاص ثالث بی اثر است.

در انتخاب اسم مقرراتی که قبلاً راجع به سایر شرکتهای تجارتي ذکر شده لازم الزامه است و تغيير آن نیز منع قانونی ندارد.

### اداره شرکت مختلط غیر سهامی

بطوریکه ماده ۱۴۴ قانون تجارت مقرر داشته اداره شرکت مختلط غیر سهامی به عهده شریک باشکاء ضامن و حدود اختیارات آنان همان است که در مورد شرکاء ضامنی مقرر است.

بموجب صریح ماده مزبور و ماده بعدی که شریک با مسئولیت محدود بعنوان شریک حق اداره کردن شرکت را دارد نه اداره امور شرکت از وظایف اوست اداره این قبیل شرکتهای از خصایص شرکاء ضامن میباشد و اختصاص امر مزبور بشرکاء مذکور بعلت نوع مسئولیتی است که متوجه آنها میباشد.

بدیهی است کسانی که در مقابل تعهدات و قروض شرکت مسئولیت غیر محدودی داشته باشند علاقه آنها در حسن جریان و حفظ منافع شرکت به مراتب بیشتر از کسانی است که نامیزان محدودی مسئولیت دارند و مسلماً حزم و احتیاط اشخاص اخیرالذکر کمتر از شرکاء ضامن و بهمین نسبت هور و شجاعت آنها نیز در مواجه ساختن شرکت با مخاطرات اقتصادی بیشتر از آنها خواهد بود و چون نتیجه اعمال این قبیل اشخاص ممکن است آثار خانمانسوز برای شرکاء ضامن داشته باشد این است که قانون بکسانی آنها را از اداره کردن امور شرکت منع و حتم آنها را از وظایف آنها خارج نموده و در مواردیکه شریک ضامن منحصر بفرد است با آنکه تا اندازه شاق بنظر میرسد معذک اداره شرکت را نیز باو محول نموده است.

منع صریح قانون در عدم مداخله شرکاء با مسئولیت محدود در اداره امور شرکت مؤثر در حق نظارت آنها در امور شرکت نبوده و این قبیل شرکاء چنانچه ماده ۱۴۷

قانون مزبور مقرر میدارد همیشه میتوانند بدفاتر و اسناد شرکت مراجعه و راجع بوضعیت مالی شرکت اطلاعات شخصی بدست آورند و هرگونه قراردادی که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شود از درجه اعتبار ساقط است.

از مفاد مجموع مواد فوق الاشعار این نتیجه حاصل است که هرچند اداره امور شرکت باشکاء ضامن است ولی آنها نیز نظریه حق نظارت شرکاء با مسئولیت محدود در اقدامات و عملیات خود کاملاً آزاد نخواهند بود و بشک این امور مربوط بشک بنظر کلیه شرکاء منتهی بدست شرکاء ضامن انجام میشود و غیر از این ترتیب طریقه دیگری مقبول نیست.

در مواردیکه شریک ضامن منحصر بفرد باشد بموجب صریح قانون سمت مدیریت شرکت متعلق باو میباشد ولی در مورد تعدد این قبیل شرکاء چون مداخله جمعی آنها خالی از اشکال نیست قطعاً با استفاده از کلیات قانون تجارت انتخاب مدیر یا مدیران ضرورت خواهد داشت در این صورت باقیاس بماده ۱۲۰ قانون مجازات شرکاء میتوانند یک یا چند نفر را از میان شرکاء ضامن ب مدیریت شرکت انتخاب نمایند.

انتخاب اشخاص خارج سمت مدیریت چون منع صریحی دیده نمیشود مانعی نخواهد داشت ولی عملاً بجز در شرکتهای سهامی در سایر شرکتهای تجارتي کمتر از وجود اشخاص خارج استفاده میشود مگر در موارد احتیاج باطلاعات فنی آنها.

اختیارات مدیران تابع کلیات مربوطه بوده و معمولاً در اساس نامه یا شرکتنامه مصرح است.

ولی در صورت عدم تصریح هرگونه اقدامی که در حدود عرف تجارت برای اداره کردن شرکت لازم باشد در حدود اختیارات آنها محسوب و مسئولیت مدیریت مدیران در این قبیل شرکتهای نیز بطور کلی با توجه به شخصیت حقوقی شرکت در مقابل شرکت است و حدود آن تابع مقررات مربوطه بوکالت میباشد.